

عنوان مقاله:

از عقل مسیحی قرون وسطی تا عقل انسانی رنسانس (پژوهشی در نسبت میان ایمان و خرد در اندیشه غربی با ابتدای بر آرای سنت آگوستین)

محل انتشار:

فصلنامه فلسفه دین، دوره 17، شماره 4 (سال: 1399)

تعداد صفحات اصل مقاله: 26

نویسندگان:

مینا محمدی وکیل - استادیار گروه نقاشی، دانشکده هنر، دانشگاه الزهراء، تهران، ایران

حسن بلخاری قهی - استاد گروه مطالعات عالی هنر، دانشگاه تهران، تهران، ایران

خلاصه مقاله:

آغاز فلسفه قرون وسطی عموماً به سنت آگوستین بازمی‌گردد، او در آموزه «من گناهکارم، پس هستم» حقیقت و هستی انسان را برای نخستین بار در گرو یک کنش انسانی و غیرالهی تعریف می‌کند. مطالعه سیر اندیشه از عبارت مذکور سنت آگوستین تا «من فکر می‌کنم، پس هستم» دکارت، از یک سو نشان‌دهنده چالش طولانی در حل رابطه میان فهم و حقیقت است و از سوی دیگر، ریشه‌های نوگرایی را در برخی آرای قرون وسطایی مشخص می‌کند. در مقاله حاضر با نگاهی به کلیدی‌ترین آرای اندیشمندان قرون وسطی کوشش می‌شود از طریق توضیح نظریه شک آبلار به عنوان ابزار دستیابی به حقیقت، تبیینات سن فرانسیس در خصوص اینکه حقیقت بیش از آنکه در بالا باشد، در پایین و درون انسان است، همچنین باور به اصالت اراده و اصالت فرد که توسط اکام و اوتریکور طرح گردید و ... چگونگی ظهور عقل انسانی عصر مدرن و روند شکل‌گیری گزاره «من فکر می‌کنم پس هستم» روشن شود. تحقیق به صورت تحلیلی توصیفی بوده و تجزیه و تحلیل داده‌ها به شیوه استقرایی صورت گرفته است. طبق یافته‌های پژوهش، روشن می‌شود که اساس فلسفه دکارت، به عنوان پدر فلسفه مدرن، مقتبس از اندیشه سنت آگوستین است؛ به عبارت دیگر نه تنها قرون وسطی بلکه عصر جدید را نیز باید با سنت آگوستین آغاز کرد...

کلمات کلیدی:

دکارت، رنسانس، سنت آگوستین، عقل انسانی، عقل مسیحی، قرون وسطی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1526142>

